

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه معاونت آموزش و امور حوزه‌ها اداره ارزشیابی و امتحانات			باسمه تعالی امتحانات پایان سال – خرداد ۱۳۹۴		گروه: الف
پایه :		۴	موضوع		عقاید ۴
تاریخ :		۹۴/۰۳/۱۱	ساعت:		۱۰:۳۰
نام کتاب: بدایة المعارف الإلهیة، از عقیدتنا فی صفاته تعالی تا الفصل الثانی فی النبوة					
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)					

#### تستی

۱. الأدلة الدالة على مؤاخذه الجهال مثل «هَلَّا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ» تدلّ على أنّ العقاب على ترك ..... لا على ترك .... ب ۱۴۷  
☐ أ. التعلّم - الواقع    ☐ ب. الواقع - التعلّم    ☐ ج. الحجة - الواقع    ☐ د. الحكم الظاهري - الحكم الواقعي
۲. إنّ محل النزاع في الحسن و القبح العقليين بين العدلية و الأشاعرة هو .... أ ۱۰۷  
☐ أ. حكم العقل باستحقاق فاعل العدل للمدح و باستحقاق فاعل الظلم للذم    ☐ ب. حسن الملائم و قبح المنافر    ☐ ج. حسن الكامل و قبح الناقص    ☐ د. حسن ما وافق الغرض و قبح ما لا يوافق الغرض
۳. الظاهر من المصنف أنّ الإجابة على الطاعات .... مجازات العصيين. ب ۹۸  
☐ أ. مقتضى العدل نظير    ☐ ب. مقتضى العدل بخلاف    ☐ ج. لا يكون مقتضى العدل نظير    ☐ د. لا يكون مقتضى العدل بخلاف
۴. البدء المحال في حقّه تعالی هو التبدّل و التغيّر في ناحية .... د ۱۹۴  
☐ أ. فعله التشريعي    ☐ ب. فعله التكويني    ☐ ج. علمه الفعلي    ☐ د. علمه الذاتي

#### تشریحی

۱. نظر اشاعره در مورد صفات خداوند و دو اشکال آن را بنویسید. ۷۶  
اشاعره، با توجه به مغایرت هر صفتی از موصوفش، صفات خداوند را زائد بر ذات می‌دانند. اشکال: اولاً: این اعتقاد، تعدد واجب و از بین رفتن وحدت ذاتی را در پی دارد، ثانیاً: نتیجه این اعتقاد، احتیاج ذات به صفات است و این خلف است؛ چون ذات خدای تعالی بی‌نیاز کامل است، ثالثاً: نقص و محدودیت در ذات خداوند راه پیدا می‌کند؛ چون در مرتبه ذات، خالی از صفات می‌شود.
- \* إنّ الصفات الثبوتية منقسمة إلى الحقيقية المحضة و الإضافية المحضة و الحقيقية المحضة لا يعتبر في مفهومها الإضافة المتأخرة عن وجود الطرفين و يكفي الذات لانتزاعها. ۷۹
۲. أ. دو قسم صفات ذکر شده در عبارت را با ذکر مثال بنویسید. ب. عبارت «لا يعتبر في مفهومها ...» چه مطلبی را بیان می‌کند؟  
أ. صفات حقیقیه محضه: در مفهومش تحقق دو طرف لازم نیست تا از ملاحظه دو طرف این مفهوم حاصل شود و در انتزاع این صفات، ملاحظه ذات کافی است، مثل: حیّ - حقیقیه ذات اضافه: تحقق مفهومش مقایسه و سنجش دو طرف با یکدیگر باید ملاحظه شود و در انتزاع ملاحظه ذات به تنهایی کافی نیست، مثل: خالق    ب. بیان فرق بین دو دسته صفات است (فرق آنها در پاسخ «أ» ذکر شد)
- \* لو كان يفعل الظلم و القبح - تعالی عن ذلك - فإنّ الأمر في ذلك لا يخلو عن أربع صور و كل هذه الصور محال على الله تعالی و تستلزم النقص. ۹۷
۳. مدعا و دلیل آن را بنویسید.  
مدعا: خداوند عادل است (ظلم نمی‌کند) دلیل: ظلم خالی از چهار صورت نیست؛ ۱. جهل به قبح عمل ۲. اجبار بر انجام عمل در عین علم به قبح ۳. علم به قبح عمل دارد و مجبور به انجامش نیست ولی چون محتاج است، مرتکب می‌شود ۴. تنها از روی هوا و هوس انجامش می‌دهد و چون خداوند عالم و قادر مطلق و حکیم است، تمام این صورت‌های چهارگانه در حق او محال است؛ زیرا این امور موجب نقص است و نقص در او راه ندارد.

\* إِنَّ الشَّرَّ عَلَى قَسَمَيْنِ: أحدهما: هو الشرُّ بالذات و بالحقيقة و هو ليس إلَّا الأمور العدمية التي لها شأنية الوجود ولكن اختلت علتها بمفاده علة أقوى و ثانيهما هو الشرُّ بالعرض و الإضافة و هو ليس إلَّا ما يؤدي إلى العدم. و الشرُّ بالذات ليس بمجعول. ١٢٩

٤. أ. «شر بالذات» و «بالعرض» را توضیح دهید. ب. چه کسی «شر بالذات» را به وجود آورده است؟

أ. شر ذاتی: و حقیقی یا امور عدمی است که شأنیت وجود داشتند و به جهت تضاد علتی که قوی تر از علت وجودی آنها بوده معدوم شدند و یا فقدان کمال شیء است که شأن واجدیت آن کمال را داشته است. شر عرضی: آن موجوداتی هستند که منجر به نیستی شیء یا فقدان کمالش شده اند و البته روشن است که این موجودات، تنها نقش مانع را ایفا می کنند نه بیشتر. ب. «شر بالذات» چون عدمی است نیازی به جاعل ندارد.

\* إِنَّ فرضية التطور على فرض صحتها في مورد، لا دليل على عمومها و شمولها، لأنَّ التجربة لا تقدر على إثبات القانون من دون ضمانة البراهين مضافاً إلى أن المكشوف بالآثار الحفرية هو التكامل و التطور من ناحية من النواحي كالأعضاء أو الصفات في نوع لا قوله نوع من نوع. ٩١

٥. فرضیه تطور چیست و اشاره به چه اشکالی دارد؟ اشکال و جواب آن را بنویسید.

معتقدین به این فرضیه می گویند: هر نوعی از موجودات از نوع دیگری پدید آمده اند، در حالی که موحدین، به خلق مستقل موجودات عقیده دارند. جواب: اولاً دلیلی بر عمومیت این قانون تجربی نداریم، ثانیاً: حفاری ها و آزمایشات نشان داده است که تکامل و تطور در اعضا یا صفات یک نوع خاص بوده است نه اینکه نوعی از نوع دیگر پدید آمده باشد.

\* قيل: إِنَّ كلام امير المؤمنين عليه السلام «و كمال الإخلاص له نفى الصفات عنه» لا يجتمع مع وصفه بالأوصاف المشهورة كالعلم و القدرة و الجواب أن إثبات الصفة يرجع إلى الصفة المتحدة مع الذات و أن النفي يرجع إلى الصفات المحدودة الزائدة على الذات فلا منافاة. ٨٧

٦. اشکال و جواب آن را در عبارت مذکور شرح دهید.

اشکال: با توجه به این کلام حضرت، خدای تعالی به هیچ صفتی متصف نمی شود و این بیان با اوصاف ثابت شده برای خدا چون علم و قدرت سازگار نیست. جواب: بازگشت اثبات به این است که صفات با ذات متحدند و بازگشت نفی به نفی زیادت صفات بر ذات است و به عبارت دیگر، آن صفتی که مستلزم نقص و محدودیت است از خدای تعالی نفی می شود نه مطلق صفات.

\* قال امير المؤمنين عليه السلام لمتكلم: إن زعمت أنك بالله تستطيع فليس إليك من الأمر شيء و إن زعمت أنك مع الله تستطيع فقد زعمت أنك شريك معه في الملك و إن زعمت أنك من دون الله تستطيع فقد ادعيت الربوبية من دون الله تعالى. ١٧٠

٧. کدام فقره از روایت بر جبر و کدام یک بر تفویض دلالت دارد؟ چرا؟

فقره «باله تستطيع» دلالت دارد بر جبر؛ چون در ادامه فرموده است: «فليس إليك من الأمر شيء» و فقره «من دون الله» دلالت دارد بر صورت تفویض به دلالت فقره بعدش.

\* استدلال الأشاعرة بآية: «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» في نفى الحسن و القبح العقليين بدعوى ظهورها في أن إرادته تعالى هي القانون و الضابطة و لكن في الآية احتمالات أخر فهذا الاستدلال في غاية الضعف. ١١٩

٨. استدلال اشاعره به آیه شریفه، در نفی حسن و قبح را توضیح داده و نقد کنید.

اشاعره، بنا به ظاهر آیه می گویند هیچ سؤالی از افعال خدا جایی ندارد هرچند در نظر ما ظلم باشند، پس حسن و قبح عقلی نخواهند بود؛ پس ضابطه آن چیزی است که خداوند اراده نموده است. در جواب گفته می شود: علت سؤال نکردن از افعال خدا، حکمت مطلقه اوست که هر چیزی را در جای خود قرار می دهد، پس جایی برای سؤال نمی ماند و ثانیاً چون کسی حقی بر خدا ندارد، نمی تواند از او سؤال کند و با وجود این احتمالات جایی برای تفسیر اشاعره باقی نخواهد ماند.

❖ الفعل مفوض إلينا و لا مدخلية فيه لإرادته و إذنه تعالى و الذى أوجب هذه المزعمة الفاسدة هو الإحتراز عن نسبة المعاصى و الكفر و القبائح إليه تعالى.

۹. عبارت، دیدگاه چه کسانی را مطرح می‌کند؟ دیدگاه همراه با علت طرح آن را بنویسید. ۱۶۰

دیدگاه مفوضه و معتزلیان را بیان می‌کند که در اعمال انسانی عقیده دارند اذن و اراده خدا در افعال انسان هیچ نقشی ندارد؛ چون قائلند اگر خداوند را در انجام اعمال انسان دخیل بدانیم، لازمه‌اش این است که معصیت و کفر و اعمال زشت را به خدا هم نسبت دهیم در حالی که او منزّه از این اعمال است.